



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه کوثر
شهرستان قزوین

پایان نامه سطح دو (کارشناسی)

صراط مستقیم در قرآن

استاد راهنما:
حاج آقا عباسی

استاد داور:
آقای محمد سلطان محمدی

محقق:
مریم حبیبی

پاییز ۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمہ تعالیٰ

تحقیق پایانی با موضوع:

کہ توسط سرکار خانم:

برای دریافت دانشنامہ سطح دو (کارشناسی) تدوین شدہ است، توسط ہیأت داوران مورد

ارزیابی قرار گرفتہ و در تاریخ / / ۱۳، با کسب رتبہ

پذیرفتہ شدہ است.

استاد راهنما:

استاد داور:

مدرسہ علمیہ:

شہرستان:

امضای مدیر و مہر مدرسہ

تحمیدیه

ممد و سپاس فدای را، آن نفستین بی‌پیشین را و آن آفرین بی‌پسین را، خداوندی را که دیده‌ی بینایان از دیدارش قاصر آید و اندیشه‌ی واصفان از نعمت او فرو ماند، آفریدگان را به قدرت خود ابداع کرد و به مقتضای مشیت فویش جامه‌ی هستی پوشیده و به همان راه که ارادت او بود روان داشت و رهسپار طریق ممبّت فویش گردانید. ممدی بی‌آغاز و بی‌انجام و تا روز رستافیز، ممدی که ممدی و مرزی نشناسد و مسابش به شمار درنیاید، ممدی که ما را به فرمانبرداری و بخشایش او (رساند، ممدی که یآوری بود بر طاعت او و مانعی بود از معصیت او، ممدی بود بر ادای حق و تکالیف او، ممدی که ما را به واسطه‌ی آن به صراط مستقیم رهنمون شود.

تقديم به

چهارده معصوم (عليهم السلام)

وهمين طور حضرت معصومه (سلام الله عليها)

توضیح اصطلاح (جری) یعنی تطبیق کلی بر مصداق بارز؛ در این معانی روایت دیگری نیز هست و این روایات از باب جری، یعنی تطبیق کلی بر مصداق بارز و روشن آن است، می‌خواهد بفرماید که مصداق بارز صراط مستقیم، محبت آن حضرات است. این را هم باید دانست که کلمه‌ی جری (تطبیق کلی بر مصداق) اصطلاحی است که از کلمات ائمه اهل بیت (علیهم السلام) گرفته‌ایم. مثلاً در تفسیر عیاشی از فضیل بن بسیار روایت شده که گفت: من از امام باقر (علیه السلام) از این حدیث پرسیدم که فرموده‌اند: هیچ آیه‌ای در قرآن نیست، مگر آن که ظاهری دارد و باطنی، و هیچ حرفی در قرآن نیست مگر آن که برای او حدی و حسابی است، و برای هر حدی مطلعی است، منظورش از این ظاهر و باطن چیست؟ فرمود: ظاهر قرآن تنزیل آن و باطنش تأویل آن است، بعضی از تأویل‌های آن گذشته و بعضی هنوز نیامده، (یجری کما یجری الشمس و القمر) مانند آفتاب و ماه در جریان است، هر وقت چیزی از آن تأویل‌ها آمد، آن تأویل واقع می‌شود، تا آخر حدیث.

و در این معنا روایات دیگری نیز هست و این خود سلیقه ائمه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) است که همواره یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می‌کنند، هرچند که اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد، عقل هم همین سلیقه و روشی را صحیح می‌داند، برای این که قرآن به منظور هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده، تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند، و آنچه باید بدان متخلّق گردند، و آنچه که باید عمل کنند، هدایت کند، چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص و یک حال مخصوص نیست، آنچه را قرآن فضیلت خوانده، در همه‌ی ادوار بشریت فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند شمرده، همیشه ناپسند و زشت است و آنچه را که احکام عملی تشریع نموده، نه مخصوص به عصر نزول است و نه به اشخاص آن عصر، بلکه تشریعی است عمومی و جهانی و ابدی. شأن نزول یک آیه ذیل بر اختصاص آن آیه نیست بلکه حکم آیات قرآنی اطلاق دارد و بنابراین اگر می‌بینیم که در شأن نزول آیات، روایاتی آمده، که مثلاً می‌گویند: فلان آیه‌ی بعد از فلان جریان نازل شد و یا فلان آیات درباره‌ی فلان شخص یا فلان واقعه نازل شده. باری نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم، چون اگر این طور فکر کنیم، باید بعد از انقضای آن واقعه و یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود. و حال آن که حکم آیه مطلق است وقتی برای حکم نامبرده تعلیل می‌آورد، علت آن را مطلق ذکر می‌کند. مثلاً اگر در حق افرادی از مؤمنین مدحی می‌کند، و یا از عده‌ای از غیرمؤمنین مذمتی کرده، مدح و ذم خود را به صفات

پسندیده و ناپسند آنان تعلیل کرده، و فرموده: اگر آن دسته را مدح کرده‌ایم، به خاطر تقوی و یا فلان فضیلت است، و اگر این دسته را مذمت کرده‌ایم، به خاطر فلان رذیلت است و پرواضح است که تا آخر دهر، هر کسی دارای آن فضیلت باشد، مشمول حکم آن آیه است، و هر کس دارای این رذیلت باشد، حکم این آیه شامل حالش می‌شود، و نیز قرآن کریم خودش صریحاً بر این معنا دلالت نموده، می‌فرماید: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ»^۱ خداوند با این قرآن کسی را هدایت می‌کند، که پیرو خشنودی خدا باشد. و نیز فرموده: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»^۲ و این که قرآن کتابی است عزیز، که نه در عصر نزول، باطل در آن رخنه می‌کند، و نه در اعصار بعد، و نیز فرموده: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۳ به درستی که ما قرآن را نازل کردیم، و به طور قطع خود ما آن را حفظ خواهیم کرد.

و روایات در تطبیق آیات قرآنی بر ائمه (علیهم السلام) و یا تطبیق بعضی از آنها بر دشمنان ائمه (علیهم السلام) و خلاصه روایات جری زیاد است.^۴

^۱ - مائده / ۱۶.

^۲ - فصلت / ۴۱-۴۲.

^۳ - حجر / ۹.

^۴ - تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۶ و ۶۷.

نتیجه

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، کل قرآن آمده است تا این دعا را جا بیندازد. خداوند می‌فرماید اگر می‌خواهید وارد صراط مستقیم شوید، اگر می‌خواهید علی (علیه السلام)، سلمان فارسی، ابوذر، و یا عارف شوید، فقط یک راه دارد و آن هم «أَنْ اعْبُدُونِي» می‌باشد یعنی این که بنده‌ی من باشید نه بنده‌ی نفس خودتان؛ هر چیزی را که دستور داده‌ام بگویید سمعاً و طاعتاً. قرآن کریم، تمام درس‌های حوزه، صحیفه‌ی سجادیه، نهج‌البلاغه و ... همه برای این کلمه است: «أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ».

همه چیز که در دنیا وجود دارد اصل خلقت، همه و همه برای عبودیت است که نتیجه‌ی عبودیت، سیر در صراط امن الهی یعنی صراط مستقیم. برای اجابت دعوت الهی یعنی عبودیت این است که هر چه در رساله‌ی عملیه دستور داده‌اند بگوییم چشم. وقتی در این مسیر بندگی کردیم، بندگی مطلق، وارد صراط مستقیم می‌شویم و آن وقت خطاب می‌شود نعم العبد (چه بنده‌ی خوبی). فقط با همین یک نسخه یعنی عدم گناه در صراط مستقیم قدم خواهیم گذاشت، بعد از آن نیاز به مستحبات می‌باشد تا بتواند گام‌ها را سریع‌تر بردارد. این راه به قرب خداوند ختم می‌شود پس باید سریع حرکت کرد. از خداوند توفیق گام نهادن در این صراط الهی را خواستارم.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

* صحیفه‌ی سجادیه.

۱- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، انتشارات نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش، ج ۱.

۲- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر قرآن، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۱.

۳- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، مترجم: رضا مهیار، تهران، ۱۳۷۰.

۴- جعفری، یعقوب، سیمای امام علی (علیه السلام) در قرآن، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۵- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ج ۱.

۶- حاج سیدجوادی، صدر، دایره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش، ج ۱.

۷- حسینی خامنه‌ای، سید علی، روح توحید نفی عبودیت غیرخدا، تهران، مؤسسه‌ی انجاء کتاب، ۱۳۶۰.

۸- خمینی (ره)، روح‌الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ۳۶، ۱۳۸۵ ش.

۹- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹.

۱۰- راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، دمشق- بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱.

۱۱- ربانی گلیپایگانی، علی، مجله‌ی کلام اسلامی.

۱۲- سالاری راد، معصومه، مقاله‌ی معرفت، شماره‌ی ۱۴۴.

۱۳- سیستانی، آیت‌الله، توضیح المسائل، تهران، فکر برتر، چاپ ۱۳، ۱۳۷۸ ش.

- ۱۴- شیخ صدوق، **معانی الاخبار**، انتشارات دارالمعرفه، دفتر انتشارات اسلامی قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش، ج ۵.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه‌ی مجمع البیان**، مترجم: مترجمان، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۶- طیب، سید عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۷- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱.
- ۱۸- فیض کاشانی، محمدمحسن، **تفسیر صافی**، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، بی‌تا، ج ۱.
- ۲۰- گنابادی، سلطان محمد، **بیان السعاده فی مقامات العبادہ**، مترجم: حشمت‌الله ریاضی، خانی رضا، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱.
- ۲۱- مالمیر، تیمور، **نشریه‌ی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی**.
- ۲۲- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش، ج ۲۴.
- ۲۳- مدبر عزیزی، غلامرضا، **مجله‌ی تربیت**، شماره‌ی ۵.
- ۲۴- مصطفوی، حسن، **تفسیر روشن**، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۵- مطهری، مرتضی، **وحی و نبوت**، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا، ج ۲.
- ۲۶- مطهری، مرتضی، **ولاها و ولایت‌ها**، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا، ج ۳.
- ۲۷- معرفت، **مجله‌ی اندیشه‌ی حوزه ادیان و مکاتب**.
- ۲۸- المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین، **کشف الاسرار و عده الابرار**، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش، ج ۲.
- ۲۹- میرجهانی، سید حسن، **تفسیر ام الکتاب**، تهران، انتشارات صدر.
- ۳۰- **نشریه‌ی اعتدال**، ۸۷/۹/۲۰.